

مکانیزم‌ها و نظام کنترل اجتماعی براساس فقه امامیه

خدیجه مهدوی همپا*

رضا اسلامی**

محمد داوری***

چکیده

ظهور مدیریت فقهی در جهان مدرن امروز، پرسش‌ها و چالش‌های جدی را در مواجهه فقه با تجربیات علمی بشر به ویژه در موضوعات و مسائل اجتماعی، پدیدار ساخته است. از طرفی توانمندی فقه در کنترل فردی پیروان و واداشتن آنها به انجام فرایض دینی و ترک گناهان بر کسی پوشیده نیست، اما پرداختن به «فقه اجتماعی» هنوز در ابتدای راه بوده و این پژوهش، با مطالعه میان‌رشته‌ای فقه، حقوق جزا و جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، درصدد بازشناسی بخشی از توانمندی فقه با نگرش به فقه امامیه و انطباق با یافته‌های دانش جامعه‌شناسی می‌باشد. در نظام فقهی، «عبادت» به عنوان هدف اصلی خلقت، با اشکال مختلف آن، عامل بازدارنده از ناهنجاری در جامعه است و در صورتی که برخی افراد درصدد هنجارشکنی برآیند، اهرم کنترلی «امر به معروف و نهی از منکر»، به کمک آمده و هر عمل خلافی را در همان ابتدای راه ناکارآمد می‌سازد و در صورت عدم توفیق نظارت عمومی، دخالت حکومت با اعمال «مجازات» با هدف اصلاح و تربیت و «جامعه‌پذیری مجدد» به عنوان آخرین راهکار، مورد توجه فقه قرار گرفته است. واژگان کلیدی: کنترل اجتماعی، نظم اجتماعی، ناهنجاری، جامعه‌پذیری مجدد، مجازات.

* دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی- دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)
Shahayegh.mahdavi.5@Gmail.com

r.esfandiani@isca.ac.ir

** دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی

*** استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۲/۲۵

مقدمه

بقای هر جامعه‌ای به نظم و ثبات، بستگی دارد و برای ایجاد نظم و تنظیم روابط میان اعضای جامعه، باید کارهای حیاتی انجام گیرد و همچنین از اختلال‌ها و آشفتگی‌هایی که ممکن است به سبب کشمکش‌های درونی در زندگی اجتماعی پدید آید، پیشگیری شود. انجام این دو کار مهم و اساسی، از طریق مکانیسم «کنترل اجتماعی» صورت می‌پذیرد.

کنترل اجتماعی به معنی تنظیم روابط، هم‌نوایی اعضای جامعه با ارزش‌ها و مقررات و پیشگیری از ناهنجاری، هدف اصلی مجامع انسانی بوده و راهکارها و مکانیسم‌های مختلفی در طول تاریخ معرفی و پا به عرصه وجود گذاشته‌اند.

فقه اسلامی، متکفل بیان هنجارها و قواعد رفتاری در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. بنابراین لازم است برای اجرایی شدن این هنجارها ضمانت اجرایی آنها را فراهم سازد. این ضمانت‌های اجرایی فقه اسلامی در قالب کنترل‌های درونی و بیرونی مانند التزام به انجام تکالیف عبادی مثل نماز، روزه، پرداخت زکات، خمس و... در صورت هنجارشکنی، مجازات مجرمان به شکل‌های مختلف مانند مجازات اقتصادی، تنبیه بدنی و زندان و... ترسیم شده است.

نظام کنترلی براساس آموزه‌های فقهی، بنا به علل متعدد سیاسی و اجتماعی کمتر مورد توجه مجامع علمی قرار گرفته است، اما مبنای وحیانی فقه توجه به تمام ابعاد مادی و معنوی وجود انسان و موشکافی جزئیات نیازهای فردی و اجتماعی و... امتیازی است که براساس آن «نظام کنترلی فقه» طراحی و به منصفه ظهور رسیده است.

کلیات

کنترل اجتماعی: را «توان اعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن اعمال دیگران» تعریف کرده‌اند. از این رو، کنترل اجتماعی فرایندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد، به دنبال تحقق هم‌نوایی رفتار اعضای خویش و مقابله با کجروی است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۳، ص ۴۴۹).

در همه جوامع انسانی، نوعی کنترل اجتماعی مبتنی بر هنجارهای مقبول و سنت‌های متداول، چارچوب رفتارهای اجتماعی مردم را تحت نظارت دارد و اگرچه گاهی هم‌نوایان را تشویق می‌کند، اما عمدتاً بر تنبیه متخلفان و کوتاه کردن دست متجاوزان از منافع و منابع عمومی و خصوصی مردم تأکید می‌ورزد (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۵).

مکانیسم‌ها: به مجموعه‌ای از ضمانت‌های اجرایی گفته می‌شود که در قالب‌های گوناگون پاداش و تنبیه نمود می‌یابد و انگیزه لازم را برای پیروی افراد از ارزش‌ها و موازین و واداشتن آنان برای ایجاد رفتارهای مطلوب ایجاد می‌نماید. کنترل اجتماعی به دو شکل اقتناع و اجبار انجام می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

سیاست کنترل اجتماعی: عبارت از راهکارهای کنترل اجتماعی است که از طریق پیشگیری، مجازات، درمان و توان‌بخشی، اعمال می‌گردد. این سیاست‌ها، نمود عملی یافته‌ها و دیدگاه‌های پژوهشگران جرم‌شناسی است که در خلال تعاملی پیچیده با دست‌اندرکاران نظام‌های مختلف کنترل اجتماعی به عرصه سیاست‌گذاری مقابله با پدیده جرم راه یافته است (دادستان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۲؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۶).

سیستم کنترل اجتماعی

سیستمی است که درگیر طراحی و برنامه‌ریزی برای واکنش نشان دادن و جلوگیری از انحرافات قابل پیش‌بینی است. چنین سیستمی، در بالاترین سطح قابل رؤیت خود، شامل پلیس، دادگاه‌ها، انواع تنبیه‌ها (از زندان گرفته تا ممانعت‌های دیگر) می‌شود. سیستم قضایی، رسمی‌ترین سیستم جوامع برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی است (عضدانلو، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹).

الف) نظم اجتماعی فقه

با مطالعه نظام‌های حقوقی رایج در جهان، می‌توان ادعا کرد که هیچ نظام حقوقی در جهان به اندازه فقه از حیث کمی و کیفی و موشکافی در جزئیات حقوق و تکالیف انسان‌ها نپرداخته و شاهد این ادعا حجم بسیار زیاد منابع فقهی در مراکز علمی می‌باشد.

دانش فقه، از بدو تولد انسان تا زمان مرگ و حتی پس از مرگ وی، نقشه راه و قوانین و مقررات فقهی برگرفته از قرآن، سنت، عقل و اجماع، طراحی و پیش‌بینی و حتی فروضات مختلفی بیان کرده که شاید هیچ وقت نمود ظاهری نداشته باشد که هر یک به نوبه خود، تکلیف افراد جامعه را مشخص و به‌عنوان یک ارزش و باور دینی قابل اجرا، در پیش روی دیدگان افراد جامعه قرار دارد و آنها را وادار به تبعیت و همنوایی می‌نماید. «نظام کنترلی فقه» با تبیین ابواب فقهی به قرار زیر است:

۱. فقه خانواده (مقررات تنظیم روابط خانوادگی)

بخش مهمی از منابع و کتاب‌های فقهی به تحلیل، بررسی و استنباط احکام مربوط به احوال شخصیه و تنظیم روابط خانوادگی پرداخته‌اند. بدیهی است که خانواده به‌عنوان اساس و پایه تشکیل اجتماع بشری، نقش مهم و تعیین‌کننده در ساختن هنجارها و همنوایی با جامعه و یا برعکس جامعه‌گزیزی و ایجاد ناهنجاری و کجروی دارد. از این رو همسن می‌نویسد:

«خانواده را پایه اصلی جامعه خوانده‌اند. زندگی خانوادگی برای افراد بالغ، اهمیت زیاد دارد؛ اما اهمیت آن برای کودکان به مراتب بیشتر است؛ زیرا که خانواده، اولین اجتماع کودکان است» (همسن، ۱۳۷۱، ص ۴۵).

زوجین (زن و شوهر)، به‌عنوان رکن اصلی و پایه شکل‌گیری خانواده، در منابع فقهی دارای حقوق و تکالیفی هستند که بیان آن مورد اهتمام فقها بوده و بسیار دقیق و موشکافانه به تبیین مقررات آن پرداخته‌اند و در کتاب‌های مختلف به بحث پرداخته‌اند از جمله: کتاب الفرائض، کتاب وصایا، کتاب النکاح، کتاب الصدقات، کتاب القسم و النشوز، کتاب الخلع، کتاب الطلاق، کتاب الإیلاء، کتاب الطهار، کتاب العِدَد (عده‌های زنان)، کتاب الرضا، کتاب النفقات.

۲. تنظیم روابط مالی در جامعه

منابع فقهی، در قالب کتاب البیع به بیان روابط مالی افراد جامعه و شرایط، احکام خرید و فروش، اختیارات (اختیار بر هم زدن معامله و فسخ آن) و معاملاتی که در شریعت منع شده، تولیت، شراکت، مرابحه و... و نیز نحوه حل اختلاف و قواعد آن بین خریدار و فروشنده، پیش خرید، رهن، تفلیس، حجر و ورشکستگی، صلح، حواله، ضمان و... پرداخته‌اند؛ مانند کتاب الشریکه، کتاب الاقراض، کتاب العاریه، کتاب الغصب، کتاب القراض، کتاب الاجاره، کتاب احیاء الموات، کتاب الوقف، کتاب الهبه، کتاب اللقطه و اللقیط، کتاب الجعالة، کتاب الودیعه، کتاب قسم الفیئ و الغنیمه، کتاب الصدقات.

۳. تنظیم روابط انسان با حیوانات

کتاب الصيد و الذبائح، کتاب الاضحیه، کتاب الاطعمه.

۴. تنظیم مقررات تفریحات سالم

کتاب المسابقه و المناضله.

۵. تنظیم روابط با غیرمسلمانان

کتاب السیر و الجهاد، کتاب الجزیه، کتاب الهدنه.

۶. تنظیم نحوه حل اختلافات (سیستم قضایی)

علی‌رغم اینکه در اغلب مقاطع تاریخی، امامیه دارای حکومت و سیستم مملکت‌داری نبوده‌اند؛ ولی به منظور ارائه راهکاری برای حل اختلاف بین مردم و اجرای عدالت در جامعه مذهبی خود، سازکاری را اندیشیده و سیستم قضایی برگرفته از مستندات فقهی را طراحی کرده و در کتاب‌های قضاء و شهادت به بحث و بررسی آن پرداخته‌اند. پیش‌بینی همین سیستم در منابع فقهی از بی‌انضباطی در جامعه کاسته و پیروان مذهب را به جامعه‌پذیری و هم‌نوازی با هنجارهای رایج رهنمون می‌سازد.

قضاوت بین مردم به‌عنوان یکی از انواع و شاخصه‌های «کنترل رسمی» به‌عنوان تکلیف شرعی در متون فقهی گنجانده شده است و برای اثبات این وظیفه شرعی به آیات قرآنی، سیره نبوی، سیره ائمه و همچنین دلایل عقلی استناد کرده‌اند؛ کتاب القضاء، کتاب الشهادت، کتاب الدعوی و البينات.

کنترل اجتماعی فقه

در منابع فقهی، بحثی تحت عنوان «کنترل اجتماعی» مطرح نبوده و این واژه، از ابداعات جامعه‌شناسان می‌باشد که به دانش‌های دیگر نیز راه یافته است. البته به کار نبردن این واژه در گفتمان فقهی به معنای توجه نکردن و یا غفلت فقیهان از واقعیت‌های اجتماعی، حفظ نظم و ضرورت کنترل جامعه در برابر ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها نمی‌باشد، بلکه برعکس اهتمام و جدیت آنان در تبیین راهکارهای کنترل اجتماع به اشکال مختلف به‌ویژه «درونی‌سازی هنجارها و پرهیز از کجروی»، «کنترل نرم، فعالانه و نا محسوس» و در قالب مباحث «عبادات»، بسیار درخور توجه است.

ب) مکانیسم‌های فقهی

۱. عبادات (نظام کنترلی عبد و رب در فقه)

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶)؛ «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف، ۵۹)؛ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۲۱).

دانش فقه، با «کتاب عبادات» آغاز گردیده و حتی تقسیم‌های دیگر مانند معاملات، سیاسیات، احکام، عقود و ایقاعات و... در نهایت، صبغه (رنگ) عبودیت و بندگی انسان‌ها در برابر آفریدگار

هستی را دارد؛ به جهت آنکه فلسفه و دلیل اصلی آفرینش مطابق تصریح آیات قرآنی، عبودیت و بندگی است «لذا اعتاد الفقهاء تقدیم العبادات علی غیرها اهتماماً بشأنها؛ لِإِنَّ العباد لم یخلقوا إِلَّا لها» (وهبة الزحیلی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳۲). عبادت‌های مورد بحث در باب‌های مختلف فقهی در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به «عبادت‌های فردی» که آثار بی‌شمار اجتماعی داشته و «عبادت‌های اجتماعی» که در نظم جامعه، اثر مستقیم و نقش بی‌بدیل دارند، تقسیم کرد (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۱).

۲. جماعت

جماعت، در برخی از عبادات مثل نماز جمعه، شرط مشروعیت است؛ یعنی بدون تشکیل و گرد آمدن جماعت، اصل مشروعیت اقامه آن از بین می‌رود و گاهی جماعت، شرط فضیلت و کمال عبادت است، مثل برگزاری نمازهای واجب روزانه به صورت جماعت و گاهی هم جماعت، یکی از لوازم کیفیت مشروعیت آن است؛ مثل حج یعنی شارع اسلام آن را در محدوده مکانی و زمانی خاصی در هر سال قرار داده است که مردم در یک زمان و مکان گرد هم می‌آیند (ضیائی‌فر، ۱۳۹۲، ص ۷۳۱).

۳. قصد قربت

قصد قربت، در متون فقهی، شرط صحت یا قبولی برخی از اعمال عنوان شده است که در صورت اخلال به این رکن، عمل عبادی صحیح نبوده و آثار و نتایج مورد انتظار شرع را نخواهد داشت. توجه و دقت به انگیزه‌های اعمال عبادی و تلاش برای خالص کردن کردارها برای خداوند سبحان، نیاز به توجه به ریزترین اندیشه و افکار دارد و از اهرم‌های تقویت کنترل درونی یا خودکنترلی در افراد محسوب می‌شود. فرد مؤمن با تصور حضور در محضر خالق هستی، حتی اندیشه خود را کنترل می‌نماید و بدیهی است با چنین رویکردی، کنترل در برابر گناه و جرم نیز در وجود شخص نهادینه می‌شود.

۴. طهارت زیربنای کنترل انسان

اغلب منابع فقهی با «کتاب الطهارة» یا «باب الطهارة»، شروع می‌شود که بیانگر این مطلب می‌باشد که؛ براساس نگرش فقهی، پایه و اساس زندگی بشری بر طهارت و پاکی از هرگونه آلودگی استوار است و هر مسلمانی، باید خود را از تمام آلودگی‌های جسمی و روحی، پاک نماید. پاکی، مقدمه ورود به جامعه مکلفان است و بدون طهارت، عبادت‌ها، پذیرفته نخواهد بود.

طهارت، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که فقها، اهتمام ویژه‌ای داشته و هیچ‌یک از ادیان مثل

اسلام به آن نپرداخته‌اند. «اهتم المسلمون كثيراً بالطهارة ووضعوا فيها الطّوال، و مرنوا عليها الاطفال، و درسوها فی معابدهم و معاهدهم، و اعتبرها ائمة الفقه شرطاً اساسياً لصحة العبادة، و لست اُغالی إذا قلت: لم يهتم دين من الاديان بالطهارة، كما اهتم بها الاسلام» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۰).

۵. نماز

منابع فقهی، نماز را از جنبه‌های مختلف، بررسی کرده و وجوب آن و التزام به اقامه نماز را، جزء اصول اولیه و یا اولین اصل مسلمانی برشمرده‌اند. در اصل وجوب نماز، اوقات پنج‌گانه نمازهای واجب، شرایط و ارکان واجب آن، هیئت برگزاری نماز، اذکار، دعاها و... در بین فقها، اختلاف اساسی وجود ندارد و تنها بخشی از ترتیبات، اختلافی بوده که بررسی آن در مجموعه‌های مطالعات تطبیقی و اصول منابع قابل کاوش می‌باشد (شیخ طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۵۴۲).

برخی از سازوکارهای اثرگذاری نماز بر پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی عبارتند از:

الف) هدفمند ساختن و معنا دادن به زندگی؛

ب) حمایت روانی؛

ج) ارضای نیازهای معنوی؛

د) ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی؛

ه) محافظت از نظم اخلاقی؛

و) بازداشتن از منکر (داوری و سلیمی، ۱۳۹۵، ص ۷۹ و ۱۰۲؛ سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵).

۶. زکات و خمس (فقر و جرم و سازوکار کنترلی فقه)

یکی از عوامل ارتکاب جرم، فقر و نداری در نتیجه توزیع غیرعادلانه سرمایه تلقی شده است (اژه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱؛ بخارانی، ۱۳۹۳، ص ۵۴۲).

مطالعه میدانی پدیده بزهکاری از نزدیک مبین اهمیت عامل تبعیض و بی‌عدالتی مالی و فقر در یک جامعه است؛ این اثرات را می‌توان در وضعیت اقتصادی افراد بزهکار و شرایط سکونت آنها به خوبی مشاهده نمود (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۲۳۸).

در منابع فقهی، یکی از «راهکارهای کنترل اقتصادی»، پرداخت زکات است که تحت عنوان «کتاب زکات» یا «باب زکات» و در منابع امامیه «خمس» نیز اضافه می‌شود، به بیان احکام و مقررات آن پرداخته‌اند (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹۵؛ نجفی، پیشین، ج ۱۵، ص ۷۲؛ ضمیری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۴).

اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی چون تفسیر، حدیث، فقه و اقتصاد، از منظر خاص خود به زکات به‌عنوان یکی از ارکان مهم عبادی، نگریسته و به بیان نقش و جایگاه آن پرداخته‌اند (قرضاوی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۱).

نقش زکات در کنترل اجتماعی و پیشگیری از جرم، از زوایای مختلف علم جامعه‌شناسی، قابل بررسی و انطباق با موضوع این مقاله است:

۱. فقر و نیاز و همچنین غنا و ثروت بی‌حد و حصر و در نتیجه بروز فاصله طبقاتی در هر جامعه‌ای، می‌تواند از عوامل کجروی و تشدید جرم باشند و نهاد زکات برای تعدیل ثروت ثروتمندان و رفع فقر نیازمندان، قانون‌گذاری شده است؛

۲. تعیین محدوده، شرایط و ضوابط برای زکات‌دهنده، زکات‌گیرنده و اموال موضوع زکات و... از افراط و تفریط و همچنین منت‌گذاری اغنیا و تحقیر فقرا و قهرمان‌سازی بی‌مورد و محل امنیت روانی جامعه - همچنان که در جوامع بشری امروزی تحت عنوان نهادهای خیریه نمود یافته است - پیشگیری می‌کند؛

۳. طراحی سیستم حکومتی نحوه اخذ زکات توسط زمامداران جامعه، از بی‌نظمی اجتماعی پیشگیری می‌کند؛

۴. با طراحی و جوب نیت در پرداخت زکات و تلقی آن به‌عنوان تکلیف شرعی و وظیفه عبادی و شمارش آن جزء عبادات اصلی، جریان مالی پیروان مذاهب در مسیر عبودیت و بندگی خداوند سبحانه هدایت کرده و به‌عنوان اهرمی قوی و بازدارنده «کنترل ماوراء طبیعی» عمل می‌نماید؛

۵. یادآوری توجه به فقرا، نیازمندان، بدهکاران و دقت در وضع آنان نوعی «کنترل عاطفی» به شکل همزاد پنداری را در پیروان مذاهب به وجود می‌آورد و موجب پیشگیری و کنترل از ناهنجاری را فراهم می‌نماید؛

۶. زکات از یک سو، ناخالصی‌های احتمالی اموال را پاک می‌کند و پرداخت‌کننده زکات، آن را به‌عنوان یک وظیفه و تکلیف، دانسته و در تلاش است تا به هیچ‌عنوان، از مال مشکوک استفاده نکند و بخشی از دارایی‌اش را مال خود نداند و با خواهش نفسانی طمع، بخل، خودخواهی، ثروت‌اندوزی مذموم، عدم مساوات و بی‌عدالتی در توزیع ثروت مبارزه کند و از سوی دیگر، نیازمندان و فقرا را یاری نماید، تا کسی به علت نداری، مجبور به ارتکاب ناهنجاری نگردد و به همین دلیل است که مجازات‌های جرایم مالی مثل سرقت، بسیار خشن و قاطع، پیش‌بینی شده است؛ چون در جامعه اسلامی، از ابتدا، زمینه‌های ارتکاب خلاف و جرم بسته می‌شود.

۷. روزه (همنوایی و مکانیزم کنترلی)

براساس یافته‌های جامعه‌شناسان، تغییر رفتار و افکار انسان‌ها از سه طریق همنوایی، متابعت و اطاعت، امکان‌پذیر است؛ همنوایی، تغییر رفتار یا افکار بر اثر فشار غیرمستقیم جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند. متابعت، تغییر به خاطر درخواست مستقیم دیگران. اطاعت، پیروی کردن فرد از مراجع قدرت اجتماعی است (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳۶۴). در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی، انسان‌ها آگاهانه یا ناخودآگاه، مجبور به هماهنگی رفتار و افکار خود با هنجارها و نگرش‌های اکثریت می‌گردند.

مکانیزم روزه گرفتن، پرهیز از خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات روزه، تمرین بندگی، صبر و استقامت در برابر نیازها و خواسته‌های طبیعی، یکی از مؤثرترین مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه است. به شهادت آمار و ارقام منتشره از سوی نهادهای قضایی و انتظامی در تمام کشورهای اسلامی و حتی مطالعات بیگانگان و تحقیقات پژوهشگران علوم اجتماعی، گویای این است که؛ آمار جرایم در ماه رمضان در کشورهای اسلامی، تغییر و کاهش محسوس دارد؛ که ماه رمضان از یک طرف روزه‌داران را کنترل می‌کند و از طرف دیگر غیرروزه‌داران به جهت قرار گرفتن در فضای معنوی جامعه مسلمانان از ارتکاب علنی جرایم پرهیز می‌نمایند. در منابع فقهی بابی تحت عنوان «کتاب الصوم» یا «باب الصوم»، گنجانده شده و به‌طور مفصل به بیان احکام آن پرداخته‌اند.

گرچه روزه یک عبادت فردی است، اما به جهت اختصاص زمان ویژه و به دلیل وجود پدیده‌های ظاهری و اجتماعی که به همراه خود دارد، در ایجاد و تقویت هنجارهای مذهبی در جامعه نقش اساسی ایفا می‌نماید. با تأثیرگذاری بر فضای عمومی جامعه، گرایش افراد به همنوایی با فرهنگ دینی، و هماهنگ شدن با رفتارهای مذهبی را در پی دارد. روزه ماه رمضان، با آداب و شرایط خاص خود که در منابع فقهی به تفصیل بحث می‌شود، افزون بر فواید بسیار جسمی و روحی، مسلمانان را به مدت یک ماه در معرض یک تجربه واقعی از گرسنگی و محرومیت از نعمت‌ها قرار می‌دهد و حس همدلی و همدردی با نیازمندان را در آنان نهادینه و درونی‌سازی می‌کند (شیخ شعاعی، ۱۳۸۴، ص ۶۳؛ وهبة الزحیلی، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۱۷؛ جعفری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۹۸، ح ۳).

۸. حج (نظام کنترل اجتماعی کامل)

در پژوهش‌های جامعه‌شناسی، دورکیم تلاش می‌کرد تا نقش آیین‌ها و سنت‌های اجتماعی را در حفظ نظم اجتماعی توضیح دهد. او معتقد بود که این اشکال اجرای گروهی در بازگویی نمادین

ارزش‌های گروهی مهم هستند و بدین وسیله محدودیت‌های مشترک به افراد یادآوری می‌شوند که این دیدگاه به مفهوم «حافظه جمعی هالبواچس»، مرتبط می‌شود که ساخت نمادین از گذشته محصول یک نظم اجتماعی است که به نوبه خود باعث تقویت نظم می‌شود. او درصدد بود تا نشان دهد که چگونه حافظه جمعی اشتراکی، فعالانه از طریق شرکت در مراسم‌های رایج هر جامعه، شکل می‌گیرد که نتیجه آن حفظ و بازتولید حسی در میان افراد یک گروه که سلايق، علايق و گذشته‌های یکسان دارند، می‌شود و هویت جمعی در زمان حال گسترش می‌یابد (اینز، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

با بررسی، مطالعه و دقت در موقعیت مکانی مکه و خانه کعبه، اعمال و مناسک حج و موقعیت زمانی آن و نحوه گردهم آمدن مسلمانان با هر رنگ و نژاد و چگونگی ورود به احرام و کنار گذاشتن تمام لباس‌های فاخر و زیورآلات، خودداری از بسیاری از اعمال مباح و همچنین زندگی دسته جمعی در مدت انجام مناسک حج با کمترین امکانات در مشعر و منا و طواف دور کعبه، سعی بین صفا و مروه، یک نظام تکامل یافته کنترل اجتماعی است که انواع متعدد کنترل‌های رسمی و غیررسمی، درونی و بیرونی، ماوراء طبیعی، عاطفی، خشن و... را دربر می‌گیرد.

۹. امر به معروف و نهی از منکر

کنترل اجتماعی از بالا به پایین، متداول‌ترین شکل کنترل است، که در آن شخصی با بیشترین قدرت و اقتدار، رفتار اشخاص و گروه‌هایی را که دارای قدرت کمتری هستند، تحت کنترل قرار می‌دهد. همچنین کنترل اجتماعی، می‌تواند به شکل «از پایین به بالا» باشد که در آن افرادی با قدرت کمتر، رفتار اشخاص و گروه‌های قدرتمند را شکل می‌دهند (اینز، پیشین، ص ۳۵).

یکی از ساختارهای مهم کنترل اجتماعی در فقه، «امر به معروف و نهی از منکر» است که بخش مهم آن «سیستم کنترل از پایین به بالا» می‌باشد. این تکلیف شرعی مانند نماز، روزه، زکات، حج و... بر هر مسلمانی واجب است و از کارایی بالا و مؤثری برخوردار می‌باشد؛ زیرا مردم براساس احساس تکلیف شرعی به رویارویی با آسیب‌های اجتماعی و قانون‌شکنی‌ها می‌پردازند و در حفظ هنجارهای دینی جامعه اسلامی، به وظیفه شرعی خود عمل کرده و مانع گسترش کجروی‌های اجتماعی می‌شوند.

معروف، در متون جامعه‌شناسی معادل «ارزش» می‌باشد. ارزش‌ها که بر عقاید مشترک اجتماعی درباره آنچه خوب، درست و مطلوب است استوار می‌باشند، بنیادی‌ترین عامل در تبیین و شناخت هنجارهای اجتماعی تلقی می‌گردند.

«تقویت حس مسئولیت» در مردم نسبت به رفتار و کردار هم‌نوعان خود، در حقیقت روشی برای تربیت انسان در مسیر هدایت و کمال خلقت اوست. انسان بی‌مسئولیت و بی‌تفاوت نسبت به

نوع رفتار انسان‌های دیگر، از فطرت و خلقت انسانی خود دور شده؛ نهادن تکلیف امر به معروف و نهی از منکر بر عهده او، در حقیقت متوجه کردن او به حقایقی است که عقل و دل او بدانها گواهی می‌دهد و حفظ او در صراط مستقیم فطرت الهی و انسانی است.

چنان‌که «وادار کردن مردم به فعالیت در جهت رواج نیکی‌ها و جلوگیری از گسترش منکرات»، از طریق تشریح امر به معروف و نهی از منکر، فراهم کردن زمینه رشد و تربیت افراد جامعه و برداشتن موانع رشد و تعالی آنهاست (ورعی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹؛ ستوده، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵).

ج) واکنش جامعه علیه جرم

قدیمی‌ترین مفهومی که از «واکنش جامعه در مقابل جرم» به ذهن متبادر می‌شود، همان کیفر و مجازات است که ضامن نظم و منافع عمومی بوده است. بعدها با گذشت زمان اصطلاح «واکنش»، دستخوش تحول شده و از نظر صاحب‌نظران طرفدار مکتب تحقیقی حقوق جزا، مفهوم دیگری پیدا کرده است. براساس مبانی فکری طرفداران این مکتب و به علت وجود حالت خطرناک در نزد برخی از مجرمان، بایستی اقدامات تأمینی و تربیتی را جایگزین مفهوم قبلی مجازات کرد. این مفهوم نیز، متعاقباً توسط دانشمندان طرفدار مکتب دفاع اجتماعی حقوق جزا، تجدید گردید و تعبیر تازه‌تری ارائه شده است؛ به‌زعم بنیان‌گذاران مکتب دفاع اجتماعی نوین، واکنش علیه جرم باید متضمن اختلاط مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی متناسب با شخصیت مجرم باشد (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۱).

مجازات و تنوع آن در فقه

مجازات، به‌عنوان یک راه حلی «پسینی»، یعنی پس از وقوع جرم در قالب «واکنش» جامعه در برابر ناهنجاری شکل گرفته و از طرف حکومت اجرا می‌شود. تعیین عنوان مجرمانه و اعمال مجازات، یکی از سیاست‌های تاریخی و عمده در حوزه مقابله جوامع با جرم و کجروی بوده است که همواره این جایگاه را در قلمرو خود حفظ کرده است. در منابع حقوقی، از مجازات به‌عنوان «اعمال بازدارنده‌های قانونی» تعبیر می‌شود (سلیمی و داوری، پیشین، ۱۳۹۳، ص ۵۱۷).

مخالفت با اوامر و نواهی شریعت دینی و مذهبی و اصولاً هر رفتاری که به تباهی فرد یا جامعه اسلامی بینجامد، با ضمانت اجرای عقوبت کیفری دنیوی و اخروی، منع شده است و مستلزم مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۱۷؛ عوده، ۱۴۰۵، ص ۱۴۸). با توجه به تقسیم‌بندی مجازات‌های اسلامی در منابع فقهی به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و همچنین نظام سزادهی ویژه کفارات، مباحث مفصلی درباره انواع مجازات، کیفیت مجازات،

میزان مجازات، عوامل و اسباب مجازات، مسقطات مجازات و... در باب‌های مستقل حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و گاهی هم در ذیل مباحث سایر باب‌های فقهی از جمله صلوات، زکات، حج، جهاد، وکالت، هبه، بیع و... به خوبی این نتیجه به دست می‌آید که، هدف از اعمال مجازات‌های مورد نظر فقها، تنها برای سزادهی مجرم یا تشفی خاطر مجنی علیه یا اولیای دم نیست، بلکه، هدف از این کیفرها، پاسداری از ارزش‌ها و نیاز مردم، حفظ مصالح جامعه، تأدیب و اصلاح اخلاقی مجرم و به وجود آوردن جامعه سالم است. بنابراین مبنای هر یک از انواع مجازات‌های اسلامی، عهده‌دار تحقق بخشیدن به یک یا چند هدف مورد نظر قانون‌گذاری اسلامی است؛ در تبیین هدف اجرای مجازات از واژگانی مانند؛ تنبیه، منع، تأدیب، ردع، زجر عن المحرمات، جبران خلل، طهارت از ذنب و... استفاده شده است.

(نجفی، پیشین، ج ۴۱، ص ۲۵۴).

۱. حدود

حدود جمع حد یعنی؛ جرایمی که در شرع برای آنها، مجازات‌های مشخصی از حیث کمی و کیفی تعیین شده است. البته گاهی در معنای اعمّ یعنی مطلق کیفر - که شامل تعزیر نیز می‌شود - به کار می‌رود. تفاوت حد به معنای خاص با تعزیر، آن است که در تعزیر، کمّ و کیف آن بستگی به نظر حاکم دارد و از سوی شارع مشخص نشده است، ولی در حد، نظر حاکم دخالتی ندارد و از سوی شارع مقدس تعریف، تعیین نوع و میزان مجازات آن مشخص شده است.

از موارد استعمال واژه حد، چنین استفاده می‌شود که این واژه گاهی وصف جرم است و گاه وصف مجازات. گاه حدّ گفته می‌شود و مراد جرمی است که مجازات حدّی دارد و گاه حدّ گفته می‌شود و مراد جرمی است که مجازات معین شرعی دارد، گرچه استعمال این واژه در معنای مجازات بیشتر از کاربرد در معنای جرم است. این دوگانگی در معنای حدّ، به تعریف حدّ هم سرایت نموده است. برخی حدّ را به «عقوبتی که باعث به درد آمدن مکلف می‌شود» تعریف کرده‌اند و برخی دیگر به «هر جرمی که مجازات مشخص دارد».

فقه‌های امامیه، اسباب حد را تا هفت مورد شمارش کرده‌اند که عبارتند از: حد سرقت، زنا و توابع آن، ارتداد، شرب خمر، قطع الطریق، قذف، بغی (مغنیه، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۵؛ حلی، پیشین، ج ۴، ص ۹۳۲؛ رستمی، ۱۳۹۲، ص ۱۸؛ الجزیری، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۹؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

۲. قصاص

حیات و جان انسان‌ها از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائلی است که تمام ادیان و مکاتب به آن توجه ویژه نموده‌اند و هرگاه این مسئله اساسی به خطر افتد، مجازات‌های سنگین برای پیشگیری از وقوع جرم و قتل وضع می‌شود؛ مجرم مجازات می‌شود تا خود وی و دیگران مرتکب جرم نشوند. بسیاری از مجازات‌ها برای تأمین مصلحت مقرر شده است.

قتل عمد یکی از بزرگ‌ترین گناهان در عرف و شرع محسوب می‌شود و در واقع موجب سلب صیانت فرد است و هم از نظر اجتماعی که زمینه‌ساز ایجاد ناامنی اجتماعی است، تقبیح شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَبِعِزَّتِهِ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۳)؛ «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِعَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌دارد: برابر بودن کشتن یک انسان با کشتن همه انسان‌ها، کنایه از این است که انسان‌ها همه دارای یک حقیقت واحدند که همه در آن مشترک هستند و آن حقیقت انسانیت است. در این حقیقت هیچ تفاوتی بین یک انسان و همه انسان‌ها نیست و بنابراین؛ اگر کسی قصد از بین بردن این حقیقت را در یک انسان داشته باشد در واقع قصد انسانیت موجود در همه انسان‌ها را کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵، ص ۳۱۶).

حقوق‌دانان این آیه را به معنای ضربه مهلک بر پیکر جامعه تعبیر کرده‌اند و مفسرین آن را نوعی تشبیه مجازی در بیان اهمیت قتل دانسته‌اند.

حق قصاص که همراه با ترجیح و تشویق صاحب حق، به عفو از آن است، حقوق بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه را با هم تأمین می‌کند و این حقوق با هم و به شکل حداکثری رعایت می‌شود (خسروشاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷؛ نجفی، پیشین، ج ۴۲، ص ۷؛ مزروعی، ۱۳۹۴، ص ۴۷ و ۶۳).

۳. دیات

دیه، از اصطلاحات حقوق جزای اسلامی است که در قرآن کریم دو بار ذکر شده است و هر دو در یک آیه آمده (نساء، ۹۲) و اسمی است جامد که به معنای خونبهای آدمی و یا خسارت قسمتی از جنایت وارده بر بدن انسان را جبران می‌کند.

درباره ماهیت حقوقی دیه و اینکه آیا این مسئولیت، جنبه کیفری صرف داشته باشد یا جنبه مدنی صرف و یا ترکیبی از آن دو، در بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که عمده آنها عبارتند از:

۱. با عنایت به وجود برخی ویژگی‌های مسئولیت کیفری در دیه از جمله تحدید شرعی یا

قانونی میزان و مبلغ آن، قابلیت تغلیظ و تشدید در زمان و مکان‌های ویژه، نظام دیات صرفاً یک مسئولیت کیفری محسوب می‌شود؛

۲. براساس برخی خواص و آثار مسئولیت مدنی در دیه از جمله پرداخت آن به شخص متضرر یا وراثت او و عدم پرداخت آن به خزانه دولت، از مصادیق جبران خسارت و ضمان قهری تلقی شده است؛

۳. از سوی دیگر به دلیل وجود برخی از ویژگی‌ها و آثار مسئولیت کیفری و همچنین مدنی در دیه، برخی بر این عقیده‌اند که ماهیت حقوقی دیات، آمیخته‌ای از هر دو مسئولیت می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۲).

در باره اینکه آیا عناوین شش‌گانه دیه موضوعیت دارند یا خیر و یا قیمت آنها ملاک است و یا اینکه آیا همه این عناوین اصل بوده یا یکی اصل و بقیه به اعتبار آن سنجیده می‌شود و... بحث‌های مفصلی در منابع فقهی مطرح گردیده است. فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که انواع شش‌گانه دیات وجوب تخییری است و جانی در مقام ادای آن می‌تواند یکی از انواع شش‌گانه را انتخاب کرده و به مجنی علیه پرداخت نماید (حلی، پیشین، ج ۴، ص ۲۲۸؛ نجفی، پیشین، ج ۴۳، ص ۴).

۴. تعزیرات

تعزیر یا تعزیرات، به مجازات‌هایی گفته می‌شود که مشمول عناوین حدود، قصاص، یا دیه نبوده و در مورد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی با صلاح‌دید حاکم اسلامی، تعیین و اجرا می‌گردد. با این حال مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیری به موجب قانون خواهد بود (الطائنی، ۱۳۸۱، ص ۲۴؛ جزیری، پیشین، ج ۵، ص ۲۲۳؛ مغنیه، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۵؛ عوده، همان، ج ۱، ص ۱۴۵).

جرایم تعزیری به شکل مخالفت با نواهی شارع صورت می‌گیرد مانند خیانت در امانت و گاهی به شکل ترک واجبی انجام می‌شود و گاهی تعدی به حقوق جامعه و گاهی به حقوق و مصالح مربوط به اشخاص را مورد تعدی قرار می‌دهند و تعداد و تنوع آنها بسیار زیاد است؛ برخی از آنها، حقوق مالی و برخی حقوق معنوی را مورد تعرض قرار می‌دهند و برخی جنبه خصوصی دارند و برخی دیگر واجد جنبه عمومی هستند. مجازات تعزیری نیز گاهی برای تأدیب مرتکب و گاهی برای وادار کردن مجرم به ادای حقی می‌باشد (زراعت، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۲). در منابع امامیه گفته شده: «وکلّ ما له عقوبةٌ مقدّرةٌ یسّمی حدّاً و ما لیس کذلک یسّمی تعزیراً» یا تعبیر «ما یراه الحاکم». برخی جرایم تعزیری در متون دینی شمارش شده‌اند که به «تعزیرات منصوص یا مقدّره» معروفند (نجفی، پیشین، ج ۴۱، ص ۲۵۴؛ الخلیفی، ۱۴۲۲ق، ص ۹۶).

۵. کفّارات

کفّارات نوع دیگری از کیفرهای اسلامی است که جنبه عبادی جزایی دارند و بدون مراجعه به حاکم و بدون دخالت نظام کنترل رسمی توسط خود شخص اعمال می‌شود که بزهکار را مجبور به پرداخت هزینه‌هایی می‌کند که در مصارف عمومی و رفع مشکلات سایر شهروندان نیازمند صرف می‌شود از جمله: آزاد کردن بردگان و تأمین غذا و پوشاک برای فقیران که بدون مراجعه به حاکم و دارای دو ویژگی عمده می‌باشد:

الف) در این نوع از مجازات، شخص خودش جریمه را می‌پردازد و خود را مجازات می‌کند و به همین سبب، مشکلات برچسب خوردن و حضور در نظام قضایی را ندارد؛
 ب) پرداخت جریمه در جهت رفع مشکلات عده‌ای خاص شکل می‌گیرد که به نوعی حمایت اجتماعی محسوب و مرتکب با طیب خاطر و به‌عنوان یک تکلیف شرعی دارای ثواب آن را انجام می‌دهد.

جرامی که در آنها به وجوب کفاره حکم شده است، محدود می‌باشند و بدین‌گونه می‌توان آنها را خلاصه کرد: ۱. ابطال روزه؛ ۲. ارتکاب یکی از محرّمات احرام؛ ۳. شکستن سوگند، پیمان و نذر؛ ۴.ظهار کردن همسر؛ ۵. ایلاء؛ ۶. ارتکاب انواع مختلف قتل؛ ۷. نزدیکی کردن با زن در حیض. گاهی کیفر کفاره با کیفر دیگری با هم قانون‌گذاری شده است که مجرم باید به هر دوی آنها محکوم شود. مانند کفاره قتل که همراه با حکم قصاص و دیه واجب گردیده و تحت عنوان «خصال کفاره» در فقه از آن نام برده شده است (فیض، ۱۳۸۹، ص ۵۲۵).

تشریح کفّارات برای جبران خلل پیش آمده در تصرفات انسان است. کفاره ترمیمی برای فساد انجام داده شده و اصلاحی برای خطا و گناه است. همچنین از بین بردن آثاری است که از کار انجام داده شده توسط انسان حاصل می‌شود. به‌طور مثال کفاره قتل خطاً (غیرعمد) در جامعه در مقابل گرفتن جان انسانی، با زنده کردن کسی دیگر و آزاد نمودن وی از بردگی، صورت می‌گیرد، چون بردگی شبیه مردن است. غذا دادن، سبب آزاد کردن انسان از بند گرسنگی، نیازمندی و دچار شدن به حرام است. روزه کفاره، سبب پاک نمودن نفس از آلودگی گناهان و بالا بردن درجه تقوا به وسیله آن و دور شدن از منکرات است.

د) جامعه‌پذیری مجدد

جامعه‌پذیری مجدد، به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، فرد مجدداً جامعه‌پذیر می‌شود. این مفهوم، مصداق فرایندی است که در آن ارزش‌ها، رفتارهای نامناسب برای شرایط جدید، ترک شده و ارزش‌ها، معیارها، هنجارهای جدید جایگزین آنها می‌شوند (عضدانلو، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸).

وقتی یکی از اعضای جامعه مرتکب جرم و کجروی شود، با عکس‌العمل جامعه مواجه و در نهایت حاکمیت جامعه مجبور می‌گردد با اعمال مجازات فرد از شرایط عادی زندگی خارج شده و ایجاد ارتباط او با دیگران و همچنین رابطه متقابل جامعه با او دچار اختلال می‌شود و به این ترتیب، فرد مجازات شده از جامعه رانده شده و منزوی می‌گردد. جهت بازگشت مجدد این افراد به جامعه و پیشگیری از تبدیل شدن آنان به عناصر ضد اجتماع، از راهبرد و فرایندی به نام «جامعه‌پذیری مجدد» در منابع جامعه‌شناسی، بحث می‌شود.

فقه، موضوع مجازات آن را وسیله‌ای برای تربیت و درمان مجرم به شمار آورده و از طرفی ساقط کردن مجازات از مجرم را بر اجرای آن ارجح دانسته است که شاهد بر این ادعا مواردی است که به‌عنوان «سقوط مجازات» می‌توان به آن اشاره کرد که در ذیل عنوان «جامعه‌پذیری مجدد»، قابل بررسی است از جمله: قاعده درء، توبه مجرم، استتابه، عفو که در کتب فقهی به‌طور مفصل بیان شده است.

۱. قاعده درء

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در کتاب حدود و قصاص کاربرد بیشتری دارد. ریشه اصلی این قاعده، احادیث فراوانی است که از رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در باب‌های مختلف فقهی وارد شده است و اجمالاً می‌گوید «إدرء الحدود بالشبهات». در منابع روایی امامیه از جمله؛ من لا یحضره الفقیه، وسائل الشیعه، المقنع، مستدرک الوسائل و... و در منابع اهل سنت از جمله النهایه، جامع الصغیر، کشف الخفاء، السنن البری، سنن الدار القطنی، مستدرک علی الصحیحین و السنن الکبیر، مجمع الکبیر، مجمع الزوائد، التاج الجامع للاصول این روایت با تعبیرهای گوناگون نقل شده است (ربانی، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

در مواردی که اصل وقوع جرم یا انتساب آن به متهم خاص و یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی به جهتی مورد شک و تردید قرار گیرد، به موجب مفاد این قاعده، بایستی جرم و مجازات را منتفی دانست.

از نظر حقوق‌دانان اسلامی، قاعده درء از قواعد تفسیری شمارش می‌شود و با «قاعده تفسیر به نفع متهم» در حقوق جزای عرفی از جهات مختلف، دارای شباهت‌هایی می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۴۳).

بررسی آرای فقهای امامیه و همچنین آرا و اقوال فقهای عامه بیانگر این مطلب است که در مورد شمول قاعده نسبت به حدود به معنای اخص اختلافی نیست و مورد قبول همگان بوده است و از سوی دیگر، مخالفی هم اظهار نظر نکرده تا موافقین درصدد استدلال و اقامه دلیل برای اثبات

نظر خود بر آیند؛ بلکه شمول آن نزد همه از مسلمات مفروغ عنه است. کاربرد این قاعده در موارد مختلف حدود، بهترین دلیل و شاهد بر این مدعاست. گرچه در مورد توسعه دامنه شمول این قاعده نسبت به تعزیرات و قصاص بین فقها، اختلاف دیدگاه وجود دارد (عوده، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۸).

۲. توبه

در همه جوامع بشری، تحت شرایطی برای مجازات مجرمین تخفیف قائل شده و حتی گاهی اوقات مجازات را از وی ساقط کرده‌اند. بنابراین قانون‌گذار، گاه به دلیل ملاحظات سیاسی و یا گذشت شاکی، مصلحت و حفظ نظم اجتماعی، نظر به عدم اجرای مجازات داشته است. طبعاً عدم اجرای مجازات نقش بسزایی در درمان مجرم و بستری برای حیات دوباره او می‌شود؛ چراکه مجرم به لحاظ موقعیت و ناهنجاری‌های اجتماعی ممکن است، عملاً مرتکب جرایمی شود که پس از آن از کرده خود پشیمان و توبه نماید. از این رو حسب پشیمانی حقیقی مجرم و توبه او بر طبق آیات و روایات وارد، در این زمینه مجازات از او ساقط می‌شود. بر این اساس در کتب فقهی ضمن اشاره کردن به این مسئله (توبه) آن را از دریچه و منظر جزایی و تأثیر آن در کیفر مجرمین مورد بررسی قرار داده‌اند.

بحث توبه، بیشتر در منابع اعتقادی، روایی و کتاب‌های اخلاقی به‌طور مفصل مورد بحث قرار گرفته از جمله: شرح التجرید المسأله الحادی عشر فی وجوب التوبه، کشف المراد، شرح اصول الکافی مجلسی، الذخیره. غزالی در کتاب اخلاقی کیمیای سعادت و همچنین کتاب احیاء علوم الدین، اصل اول از رکن چهارم (منجیات) را توبه دانسته و به بحث توبه اختصاص داده است (غزالی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۱۷).

در کتاب‌های فقهی، بابتی تحت این عنوان گنجانده نشده است، ولی در لابه‌لای حدود، دیات، تعزیرات، کفارات، قضا و شهادت، احکام اموات، صلوات، صوم، زکات به مناسبت‌هایی در ذیل مسائل به حکم توبه نیز اشاره شده است. همچنین در بحث اجتهاد و تقلید به مناسبت شرط عدالت در مفتی، به بحث توبه هم توجه شده است. از منابع فقهی امامیه در کتاب العروة الوثقی سیدزیدی، فصلی تحت عنوان «فصل فی احکام الاموات» به بررسی دلایل عقلی و نقلی وجوب توبه پرداخته است. بازگشت عدالت و قبول شهادت، عفو توسط حاکم و سقوط مجازات آثار فقهی و حقوقی توبه، شمارش می‌شود (حلی، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۷؛ بروجردی طباطبایی، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۲۲۸؛ خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۹۹).

۳. استنباه

واژه «استنباه» در متون فقهی درباره جرم ارتداد و تارک الصلاة، کاربرد بیشتری دارد. به این بیان که اگر کسی مرتد شود یا نماز واجب را ترک نماید، متولیان جامعه مکلف هستند، ابتدا از او درخواست توبه نمایند و اگر توبه کرد، حد از او ساقط می‌شود و در غیر این صورت حد بر او جاری می‌شود.

فقه‌های امامیه با تقسیم ارتداد به ملی و فطری، استنباه مرتد ملی را واجب دانسته و بر این فتوا هستند که در صورت توبه حکم ارتداد برداشته می‌شود و گرنه حکم جاری می‌شود (حلی، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۰).

همچنین درباره کسی که اعتقاد به حلیت مشروبات الکلی دارد، علامه حلی، قائل به استنباه هستند (حلی، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۷).

۴. عفو

عفو، یکی دیگر از نهادهای فقهی برای جامعه‌پذیر کردن افراد مجرم در منابع فقهی می‌باشد که در لابه‌لای مباحث مختلف حدود، قصاص، دیات، شهادت و... می‌توان پی‌جویی کرد. به‌ویژه در کتاب‌های اخلاقی مباحث مفصلی درباره ضرورت عفو، ویژگی‌های عفو، روابط عفو، اوقات و جاهایی که عفو سفارش شده است، شرف و اهمیت عفو، دستور به عفو کردن، سرزنش اجتناب‌کنندگان از عفو و آثار و نتایج عفو به پژوهش پرداخته و بازگشت به جامعه، بازیابی اعتبار از دست رفته از جمله عدالت و... از آثار آن شمارش شده است (البیانی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۱؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲۹، ص ۱۱۹).

نتیجه

گرچه واژه «کنترل اجتماعی» در منابع فقهی به کار نرفته و از ابداعات دانش جامعه‌شناسی می‌باشد، ولی بررسی محتوای بیش از شصت باب فقهی به وضوح بیان می‌دارد که نظام، مکانیسم و راهکارهای کنترل اجتماعی فقه، با بهره‌گیری از آموزه‌های اعتقادی و اقناعی پیروان، با تأکید بر پیشگیری از ناهنجاری علاوه بر فراگیری، ماندگاری و کم هزینه بودن، زمینه‌های بازگشت مجدد مجرمان به جامعه و زندگی طبق روال عادی و زدودن برجسب‌زنی که از امتیازات برجسته آن می‌باشد را در خود جای داده است که قابل عرضه، رقابت و برتری با مکانیسم‌های پیشنهادی در عصر مدرن است و نیاز به معادل‌سازی با زبان دانش جامعه‌شناسی امروزی دارد.

منابع

۱. آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۴)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم و تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
۲. اژه‌ای، جواد (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی با نگاه به ادیان، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۳. ایبرا همسن، دیوید (۱۳۷۱)، روان‌شناسی کیفی، ترجمه دکتر پرویز صانعی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم.
۴. اینز، مارتین (۱۳۹۶)، درک کنترل اجتماعی، ترجمه نبی‌الله غلامی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۵. بخارائی، احمد (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ سوم.
۶. بروجردی طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۶ق)، نه‌ایه‌التقریر، به قلم محمد موحدی لنکرانی، قم: مکتبه‌الحکمه.
۷. البیانی، جعفر (۱۳۸۵)، العفو، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۸. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۶ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت لبنان: دارالکتاب العربی، چاپ اول.
۹. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۴)، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۹)، قواعد فقه جزایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث، چاپ دوم.
۱۲. خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۰)، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۳. الخلیفی، ناصرعلی (۱۴۲۲ق)، الظروف المشددة و المنخفة فی عقوبة التعزیر فی الفقه الاسلامی، قاهره مصر.
۱۴. خوئی، سیدابوالقاسم (بی تا)، مبانی تکمله المنهاج، نجف الاشرف: مطبعة الاداب.
۱۵. دادستان، پریخ (۱۳۸۲)، روان‌شناسی جنایی، تهران: سمت.
۱۶. داوری، محمد و علی سلیمی (۱۳۹۵)، نماز و سازوکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی ستاد اقامه نماز، چاپ اول.
۱۷. ربانی، محمدحسین (۱۳۸۵)، قاعدة الدرء، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.

۱۸. رستمی، علیرضا (۱۳۹۲)، حدود و تعزیرات در نظام جزای اسلامی، قم: انتشارات آیین احمد علیه السلام، چاپ اول.
۱۹. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول.
۲۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲ (بینش ها و فنون)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
۲۱. سالاری فر، محمدرضا؛ مسعود آذربایجانی؛ محمد کامیانی؛ سیدمهدی موسوی اصل؛ اکبر عباسی و محمدتقی تیبیک (۱۳۹۳)، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۲۲. ستوده، هدایت الله (۱۳۹۵)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
۲۳. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۳)، جامعه شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی الجبعی العاملی (۱۴۱۹ق)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۲۵. شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۶)، جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. شیخ شعاعی، محمدجواد (۱۳۸۴)، راز روزه، قم: انتشارات راه سبز، چاپ اول.
۲۷. صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۹۰)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۲۸. ضمیری، مُفلح بن حسن بن رشید (۱۴۰۸ق)، تلخیص الخلاف و خلاصه الاختلاف، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۲۹. ضیائی فر، سعید (۱۳۹۲)، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۰. الطائی، یحیی (۱۳۸۱)، التعزیر فی الفقه الاسلامی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۲. طوسی شیخ محمد بن الحسن (۱۳۷۶ش)، الاستبصار، نجف: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۳. عضدالملو، حمید (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۳۴. علامه حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مصحح: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه نشر اسماعیلیان، چاپ دوم.

۳۵. عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵ق)، التشریح الجنایی الاسلامی فی المذاهب الخمسة مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳۶. غزالی، ابوحامد امام محمد طوسی (۱۳۹۳)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو محمد، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ شانزدهم.
۳۷. فیض، علیرضا (۱۳۸۹)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ هشتم.
۳۸. قرضاوی، یوسف (۱۳۹۲)، فقه الزکاة، عبدالصمد مرتضوی، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
۳۹. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران: چاپ چهاردهم.
۴۰. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۹)، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ پانزدهم.
۴۱. مزروعی، رسول (۱۳۹۴)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول.
۴۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، فقه الإمام جعفر الصادق علیه السلام، قم: مؤسسه انصاریان، چاپ چهارم.
۴۳. موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی (مقاله نگرشی جدید بر قانون دیات)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
۴۴. موسوی عاملی، سیدمحمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت لبنان: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی جنایی، تهیه و تنظیم: محمدی و موسی‌زاده عباسی، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، قابل دسترس: www.higoogdanan.com/professor/najafi-html
۴۶. نجفی توانا، علی (۱۳۹۴)، جرم‌شناسی، تهران: آموزش و سنجش.
۴۷. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۸. ورعی، سیدجواد (۱۳۹۵)، مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۹. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول.
۵۰. وهبه الزحیلی (۱۴۱۸ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر المعاصر، چاپ چهارم.